

ماهی دریازده

بهرز پور محمد

[مجموعه شعر]

www.ketab.ir



سرشناسه: پورمحمد، بهروز
 عنوان و نام پدیدآور: ماهی دریازده [مجموعه شعر] / بهروز پورمحمد
 مشخصات نشر: تهران: انیما، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۷۶ ص.
 فروست: خوانش ترانه امروز.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۷۷-۶۰-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
 عنوان دیگر: مجموعه شعر.
 موضوع: شعر فارسی — قرن ۱۴
 موضوع: Persian poetry -- 20th century
 رده‌بندی کنگره: PIR ۸۳۳۶
 رده‌بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲
 شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۷۶۰۰۴۵۴
 وضعیت رکورد: فیبا

ماهی دریازده
 بهروز پورمحمد
 انتشارات انیما
 طراح جلد: آرام بدیعی دزفولی
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۷۷-۶۰-۴
 نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

انتشارات انیما
 تهران، خ انقلاب، خ ابوریحان، ابتدای خ لبافی‌نژاد، پلاک ۱۴۶، واحد ۱۶
 تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۵۲۹۶
 تمامی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

 aanima_pub

 aanima.pub@gmail.com

فهرست

- آن که خورشیدش به کف کوچک ترین فانوس بود/ ۷
- گلگون چو می شود از بوسه ام تنت/ ۹
- خوشا به درد کشیدن، خوشا به بیماری/ ۱۱
- که هر چراغ برافروختند انسان ها/ ۱۳
- شب که یاد تو چنان ابر بهاران آمد/ ۱۵
- با خون به کاغذ بنویس: «این نفرت این عشق بس است»/ ۱۷
- ای در دو چشم سیاهت آوازه ی سبز باران/ ۱۹
- چه شد آشنای من غریبم گذاشتی/ ۲۱
- و کاش حافظه ام می سوخت که خاطرات تو جانکاه است/ ۲۳
- یادش به خیر آن بوسه های محفیه/ ۲۵
- ای تو همه برگ های سبز در چمن خاطرات من/ ۲۷
- اگر چه سخت ولی ناگزیر از اقرارم/ ۲۹
- رفتی و دانم ای ز تو ابری هوای من/ ۳۱
- مشام غیر شنید آن شمیم باکره را/ ۳۳
- یار رفت و چشمم را ابر بارور کردم/ ۳۵
- بس هیجان دهد مرا عطر خوش زنانه اش/ ۳۷
- اگر هوای تو یک برگه در بهاران است/ ۳۹
- کبوتران حرم برج زهرمار شدند/ ۴۱

لاشه‌ی پروانه‌ای شدم به شبستان/ ۴۳

هم واپسین موعودی دینم/ ۴۵

روشن شد آن که عشق مرا بر تو گوش کرد/ ۴۷

شکفت شعله وارض از سما معطر شد/ ۴۹

فرمانروای مطلق این شهر خالی ام/ ۵۱

چراغ سرخ برکنید! الا یلان دهکده!/ ۵۳

دلَم که در قفس سینه می تپد به ملال/ ۵۵

طوهر! همان دو دست که جان می دهد به تو/ ۵۷

چو پیر چمن که ساق خود را نهید به پیش/ ۵۹

و آن سواره که بستیم دل به یاری او/ ۶۱

وطن اگر چه اسیر هزار جانور است/ ۶۳

قمر نبرد قمار مرا/ ۶۵

ای قو! بیا عزیمت دریاچه ها کنیم/ ۶۷

ای کوه خوش به حال سبکبارت/ ۶۹

بادی ز کنج برآمد مردی به شهر درآمد/ ۷۲

چنان که مار به گرد شکار چالاکش/ ۷۴